

نگاهی به فرهنگ‌های زبان پهلوی (فارسی میانه)

یدالله منصوری (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه زبان‌های ایرانی)

در دوره میانه یا روزگار ساسانیان، برای رفع نیازهای علمی، به نگارش فرهنگ توجه شد. پدید آمدن متون متعدّد در زمینه‌های گوناگون به زبان پارسی میانه (پهلوی) باعث شد که برای استفاده از آنها نیاز به فرهنگ این زبان احساس شود.

کهن‌ترین فرهنگ‌های زبان پهلوی به نام‌های اوئیم ایووک^۱ و فرهنگ پهلویک^۲ را به عصر ساسانیان نسبت می‌دهند اما تاریخ نگارش آنها را می‌توان در فاصله پایان آن عصر تا قرن سوم هجری جای داد. وجه تسمیه فرهنگ اوئیم ایووک این است که نخستین سرواژه (مدخل) آن اوئیم، واژه‌ای اوستایی به معنی «یک»، است و در مقابل آن ایووک، واژه‌ای پهلوی باز به معنی «یک»، آمده است. همچنان که از این نام‌گذاری برمی‌آید، این اثر یک فرهنگ اوستایی به پهلوی است. در این فرهنگ، ۱۰۰۰ واژه اوستایی به ۲۲۵۰ واژه پهلوی برگردانده شده است. در آغاز آن آمده که «این رساله برای شناختن سخنان و واژگان اوستایی است و اینکه زند (=ترجمه پهلوی) آنها چه و چگونه است». این فرهنگ دارای ۲۷ در (=باب) است و برپایه موضوع - شمار و اعداد و برخی قیدها (در ۱)، ضمائر (در ۲)، اندام تن و ویژگی آنها (در ۳)، واژه‌های اوستایی برپایه نخستین حرف آنها (بخشی از در ۴ و درهای ۵ تا ۲۴)، تاوان گناه و جریمه‌ها (در ۲۵)، اندازه‌گیری زمان (در ۲۷) -

1) *Oim-ēvak*

2) *Frahangī Pahlavīk*

سامان یافته است. گردآورنده و مؤلف ناشناخته آن می‌خواسته دشواری واژه‌های اوستایی را برای گزارشگران و مفسران اوستا آسان سازد. ارزش این فرهنگ در آن است که واژه‌های مندرج در متون اوستائی عصر ساسانی و پس از آن را که اکنون در دست نیست دربر دارد. این فرهنگ را، پس از نشر متون اوستایی به همّت آنکتیل دوپرن^۳ (۱۷۳۱-۱۸۰۵)، مستشرق مشهور فرانسوی، در سال ۱۷۷۱، نخستین بار هوشنگ جی جاماسپ‌جی (تولد: ۱۸۳۳)، دانشمند پهلوی دان هندی - پارسی‌تبار، به نام واژه‌نامه کهن زند - پهلوی^۴ در سال ۱۸۶۷ به چاپ رساند. سپس هانس رایشلت^۵ (۱۸۷۷-۱۹۳۹)، اوستاشناس آلمانی، آن را به سال ۱۹۰۰ چاپ و منتشر کرد.

در فرهنگ پهلویک واژه‌هایی که خواندن صورت نوشتاری آنها برای دبیران دشوار بوده گردآمده است. دشوارترین واژه‌های پهلوی از این نظر هزوارش‌ها یعنی واژه‌های آرامی تباری هستند که، در متون پهلوی، به صورتی متناظر با اصل نوشته می‌شدند اما به صورت معادل پهلوی (فارسی میانه) خوانده می‌شدند (مثلاً میا می‌نوشتند و آب می‌خواندند یا می‌نوشتند و از می‌خواندند). در واقع، فرهنگ پهلویک معادل پهلوی هزوارش‌ها را به دست داده است. این فرهنگ نیز، به روش بسیار کهنی که از دوران آکدی رواج داشته، بر پایه موضوع همچنین مقوله‌های دستوری در سی «در» - ایزدان و موجودات مینویی و نظایر آنها (در ۱)، چیزها و امور گیتی (در ۲)، آب‌ها (در ۳)، دانه‌ها و میوه‌ها (در ۴)، خورش و می‌گساری (در ۵)، سبزی‌ها و گیاهان (در ۶)، چهارپایان و شیر و پوست آنها (در ۷)، مرغان و پرنندگان (در ۸)، جانوران و درندگان (در ۹)، اندام‌های تن (در ۱۰)، مردم گوناگون (در ۱۱)، القاب پادشاهان و بزرگان (در ۱۲)، طبقات مردم (در ۱۳)، سواری و جنگاوری (در ۱۴)، دبیری و جامه‌پوشی (در ۱۵)، خواسته و سیم و زر (در ۱۶)، کیف و زندان (در ۱۷)، افعال (در ۱۸ تا ۲۳)، ضمائر (در ۲۴)، قیود (در ۲۵)، صفات (در ۲۶)، تقسیمات زمان (در ۲۷)، نام روزها و ماه‌ها (در ۲۸)، اعداد و شمار (در ۲۹)، املاهای گوناگون واژه‌های پهلوی و مترادف آنها و جز آن (در ۳۰) - تبویب شده است. در این فرهنگ، به صورت کنونی، نزدیک

3) ANQUETIL-DUPERRON

4) *An Old Zand-Pahlavi Glossary*

5) Hans REICHEL

۱۳۰۰ واژه پهلوی آمده و گویا متن اصلی آن تنها شامل ۱۰۰۰ واژه بوده است. این فرهنگ، به تصحیح هاینریش یونکر^۶ (تولد: ۱۸۸۹) زبان‌شناس و مستشرق آلمانی، نخست به سال ۱۹۱۲ و بار دیگر (به صورت مختصر) به سال ۱۹۵۵ منتشر شد. اریش اینلینگ^۷، سامی‌شناس آلمانی، نیز آن را در سال ۱۹۴۱ به چاپ رساند. همچنین هنریک سامونل نیبرگ^۸ (۱۸۸۹-۱۹۷۴)، خاورشناس سوئدی و استاد ممتاز دانشگاه اوپسالا، این فرهنگ را با افزودن آخرین یافته‌ها دربارهٔ هزوارش‌ها و واژه‌های پهلوی ویرایش کرد و حاصل کار او را اوتاس^۹، پس از بازنگری، به سال ۱۹۸۸ منتشر ساخت.

فرهنگ هزوارش‌های پهلوی به تصحیح و تألیف محمدجواد مشکور را نیز باید یکی از ویراسته‌های فرهنگ پهلویک شمرد. بخش نخست آن متن پهلوی فرهنگ پهلویک براساس ویراستهٔ خاورشناسان است. مؤلف، در بخشی دیگر، ذیل هر مدخل هزوارش، معادل‌های پازندی، پهلوی، پارتی، فارسی همچنین عربی، آرامی، آگدی، سُریانی، و عبری آن را آورده است^{۱۰}. این کتاب همچنین با عنوان فرهنگ پهلوی - پازند به تصحیح سعید عریان چاپ و منتشر شده است.

در کنار آثار یادشده، در گذر زمان، پهلوی‌خوانان و دبیران و موبدان و دین‌مردان، به‌ناچار دست‌کم برای بهره‌وری در پژوهش‌ها و جستارهای خود در متون پهلوی، واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌های کوچکی تهیه کرده‌بوده‌اند که به‌جانمانده‌اند.

طی دو قرن اخیر، که پژوهش‌ها در حوزهٔ ایران‌شناسی و زبان‌های ایرانی در آنها رونق داشته، متون پهلوی همانند متون دیگر زبان‌های ایرانی کشف و بازخوانی و ویرایش و به زبان‌های گوناگون اروپایی، بیشتر انگلیسی و فرانسه و آلمانی و روسی، ترجمه شده‌اند. در این میان، واژه‌های زبان پهلوی نیز، به صورت پراکنده و به دست پژوهندگان زبان‌های ایرانی، گردآوری شد و آثاری پدید آمد که در این گفتار می‌کوشیم اهم آنها را معرفی کنیم.

از جمله کارهای درخور توجه خاورشناسان در این عرصه آثار پروفیسور نیبرگ است.

6) Heinrisch F.J. Junker

8) Henrik Samuel Nyberg

7) Erich Ebeling

9) B. Uras

۱۰) برای آگاهی بیشتر ← تفضلی ۳.

وی، در تحقیقی پرارزش، از چند متن پهلوی، گزیده‌ای فراهم آورد و آن را همراه با واژه‌نامه ریشه‌شناختی، در دو جلد به نام کتاب راهنمای زبان پهلوی^{۱۱} (۱۹۲۸-۱۹۳۱)، عمدتاً برای استفاده دانشجویان و علاقه‌مندان به فراگیری زبان پهلوی، منتشر ساخت. وی متعاقباً ویرایش دیگری از این اثر، با اصلاحات و افزودن‌های قابل ملاحظه‌ای، در دو جلد با عنوان راهنمای زبان پهلوی^{۱۲}، به زبان انگلیسی پدید آورد که جلد اول آن در سال ۱۹۶۴ و جلد دوم آن در سال ۱۹۷۴ در آلمان منتشر شد. جلد اول شامل گزیده‌هایی از هفت متن پهلوی، هفت کتیبه (پنج کتیبه به زبان پهلوی و دو کتیبه به زبان پارتی)، و یک سرود زبور به فارسی میانه مسیحی است. جلد دوم، در واقع، واژه‌نامه متون مندرج در جلد اول است با حدود ۳۰۰۰ واژه پهلوی.^{۱۳}

اثر دیگری از این نوع که پس از کار نیبرگ پدید آمد فرهنگ مختصر زبان پهلوی^{۱۴} تألیف دیوید نیل مکینزی^{۱۵}، استاد سرشناس زبان پهلوی و زبان‌های ایرانی، بود. مکینزی این فرهنگ را، که حدود ۴۰۰۰ واژه پهلوی دربردارد، براساس چهارده پانزده متن پهلوی تألیف کرده است. مؤلف از آوردن واژه‌های ناخوانا و مشکل‌دار در آن خودداری کرده است. این فرهنگ را واژه‌نامه پهلوی-انگلیسی و انگلیسی-پهلوی باید شمرد که، هر چند اطلاعات مختصر و مفیدی به مراجعه‌کننده می‌دهد، در بیشتر موارد مشکل او را حل نمی‌کند. مکینزی، در مقدمه این فرهنگ، هدف خود را از تدوین آن آشنا کردن دانشجویان با زبان پهلوی اظهار کرده است. وی، در این فرهنگ، نخستین بار از آوانگاری و آوانویسی مبتنی بر املاهای متون مانوی (فارسی میانه تُرفانی) و فارسی دری استفاده کرده است. مهشید میرفخرایی این فرهنگ را، با عنوان فرهنگ کوچک زبان پهلوی، به زبان فارسی ترجمه کرده که به همت انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی چاپ و منتشر شده است.

کار دیگری در این حوزه، که در دهه چهل قرن بیستم میلادی آغاز شد، تدوین فرهنگ پهلوی^{۱۶} تألیف پروفیسور آبراهامیان است. استاد آبراهامیان به مدت ده سال

11) *Hilfsbuch des Pahlavi*

12) *A Manual of Pahlavi*

۱۳) این هر دو جلد به هزینه مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها با همکاری انتشارات اساطیر (تهران ۱۳۸۱) به

صورت افست چاپ شده است.

14) *A Concise Pahlavi Dictionary*

15) D.N. MacKENZIE

16) *Pexlevijsko-persidsko-armjano-russko-anglijkijslovar*

کرسی زبان‌های ایرانی باستان دانشکده ادبیات دانشگاه تهران را داشت و، طی این سال‌ها، فرهنگی سه‌زبانه (پهلوی - فارسی - انگلیسی) تألیف کرد که، به دلایلی فنی به چاپ نرسید. پس از آن، در ایام سکونت در ارمنستان، زبان‌های ارمنی و روسی را نیز به فرهنگ خویش افزود و حاصل کار، در قالب فرهنگی پنج‌زبانه، پس از مرگ او، به همّت پروفیسور نعلبندیان (ایروان ۱۹۶۵) چاپ و منتشر شد. این فرهنگ شامل حدود ۵۰۰۰ واژه است و امروزه کمتر کسی در ایران به آن دسترسی دارد. اشکالات اساسی این فرهنگ را استاد فقید، دکتر احمد تفضلی، نمونه‌وار بازگفته است. (← تفضلی ۲)

اثر دیگری در این مقوله فرهنگ پهلوی - ارمنی تألیف پروفیسور گئورگی نعلبندیان است. این فرهنگ (ایروان ۱۹۹۴) حدود ۱۰,۰۰۰ واژه پهلوی در بردارد و به سیاق فرهنگ مکنزی است و در تدوین آن از همین فرهنگ و فرهنگ آبراهامیان و چند اثر دیگر استفاده شده است.

در ایران نیز، چند تن از استادان ایرانی زبان پهلوی به تحقیقات درخور توجهی در حوزه زبان پهلوی دست زدند که در اینجا گزارش کوتاهی درباره آنها عرضه می‌شود: حاصل یکی از این پژوهش‌ها اثری است نسبتاً حجیم با عنوان فرهنگ پهلوی - فارسی تألیف شادروان بهرام فره‌وشی (۱۳۰۴-۱۳۷۱)، استاد پیشین گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران، که نخستین بار در سال ۱۳۴۶، به همّت بنیاد فرهنگ ایران، به چاپ رسید و سپس، در سال‌های بعد از انقلاب، سه بار به نفقه انتشارات دانشگاه تهران تجدید چاپ شد. این فرهنگ حدود ۱۰,۰۰۰ واژه در بردارد و از نظر شمار مدخل‌ها و دامنه کار غنی‌تر از فرهنگ‌های سابق بر خود در حوزه زبان پهلوی است؛ امّا، همانند فرهنگ مکنزی، از متن‌های پهلوی شاهد یا به آنها ارجاعی ندارد و حلّ مشکلات از جهت معنی بعضی از واژه‌ها در متون پهلوی و رفع ابهام و بدخوانی‌ها و برخی مسائل دیگر با آن میسر نیست. شیوه آوانگاری آن به صورت سنتی معروف به شیوه بازتولوم^{۱۷} است یعنی صورت املائی مبنای تلفظ واژه‌ها اختیار شده است. فره‌وشی سوی دیگر این فرهنگ را در جلد دوم با عنوان فرهنگ فارسی به پهلوی به نفقه انتشارات انجمن آثار

ملی، در سال ۱۳۵۲، منتشر کرد. بنا به گفته مؤلف، در مقدمه هر دو کتاب، وی قصد داشت، با مدخل قرار دادن واژه‌های پهلوی به خط پهلوی، جلد سوم فرهنگ را نیز تدوین کند که متأسفانه فرصت آن را نیافت.

در این مجال، شایسته است از حرکت و کوشش علمی دیگری در مؤسسه پژوهشی بنیاد فرهنگ ایران یاد شود. این فعالیت علمی را استادان و پژوهندگان ایرانی، به سرپرستی شادروان پرویز ناتل خانلری آغاز کردند. ظاهراً بنا بر آن بود که برای همه متن‌های پهلوی، هر یک جداگانه، واژه‌نامه‌ای تهیه و چاپ شود و، در پایان، با استفاده از آنها فرهنگ بزرگ و جامع زبان پهلوی مدون گردد. اما بنیاد تنها مجال آن یافت که، علاوه بر فرهنگ پهلوی - فارسی فره‌وشی و فرهنگ هزارش‌های پهلوی مشکور، واژه‌نامه‌هایی برای چهار متن پهلوی - بندهش (مهرداد بهار)؛ گزیده‌های زادسپرم (مهرداد بهار)؛ مینوی خرد (احمد تفضلی)؛ ارتای ویرانامک (ارداویراف‌نامه) (فریدون وهمن) - واژه‌نامه تدوین و چاپ کند. در کنار این واژه‌نامه‌ها، بجاست از واژه‌نامه شایسته‌نشیست تألیف محمود طاووسی، چاپ بنیاد پژوهشی مؤسسه مطالعات آسیائی دانشگاه شیراز یاد شود.

باری، همه این کوشش‌ها نشان می‌دهد که تدوین فرهنگ زبان پهلوی همواره طرف توجه استادان و پژوهشگران زبان‌های ایرانی در خارج و داخل کشور بوده است. از نیمه دوم قرن بیستم، محققان غربی، در جنب آوانویسی و ترجمه متون پهلوی، واژه‌نامه هر متنی را، به صورت بسامدی با ارجاع به خود متن، در پایان آن درج می‌کنند که در پژوهش‌های متنی و زبان‌شناختی زبان پهلوی بسیار سودمند است.

اینک، پس از معرفی اجمالی فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌های زبان پهلوی، به دسته‌بندی کلی متون پهلوی می‌پردازیم. این متون را براساس اعتبار و اهمیت و کیفیت ویرایش و چاپ و انتشار آنها به سه دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱. متن‌هایی که به شیوه علمی و انتقادی، همراه با حرف‌نویسی و آوانویسی و واژه‌نامه و ترجمه (اغلب به زبان‌های اروپایی) چاپ و منتشر شده‌اند. برخی از متون مهم این دسته‌اند: مادیان هزار دادستان (پریخانیان به روسی؛ ماتسوخ^{۱۸} به آلمانی)؛ روایات پهلوی

(دو جلد، ویلیامز^{۱۹} به انگلیسی؛ میرفخرایی ترجمه به فارسی)؛ گزیده‌های زادسپرم (ژینیو^{۲۰} - تفضلی به فرانسه؛ راشد محصل ترجمه به فارسی)؛ ارداویراف‌نامه (ژینیو به فرانسه؛ آموزگار ترجمه به فارسی)؛ دینکرد پنجم (آموزگار - تفضلی به فرانسه و اخیراً به فارسی)؛ دینکرد ششم (شاکد^{۲۱} به انگلیسی)؛ زند و همن یسن (چرتی^{۲۲} به انگلیسی؛ راشد محصل ترجمه به فارسی).

۲. متن‌هایی که به فارسی ترجمه شده‌اند و اغلب دارای واژه‌نامه نیز هستند، مانند بندهش (مهرداد بهار)؛ مینوی خرد (تفضلی)؛ متن‌های پهلوی، ویراسته جاماسپ آسانا (ترجمه و آوانویسی سعید عریان، بدون واژه‌نامه)؛ شایست ناشایست (ترجمه و آوانویسی به فارسی از مزداپور؛ واژه‌نامه آن از طاووسی)؛ کارنامه اردشیر بابکان (فره‌وشی)؛ روایات امید آشوهیشتان (ترجمه و آوانویسی به انگلیسی؛ نیز ترجمه و آوانویسی به فارسی از نزهت صفای اصفهانی، بدون واژه‌نامه).

۳. آن دسته از متن‌های پهلوی که به شایستگی در آنها کار جدی و تحقیقی به شیوه علمی و روشمند نشده و بیشتر آنها نیاز به بازخوانی و بازپژوهی دارد، از قبیل کتاب (دفتر)های دینکرد (به جز کتاب پنجم و ششم و هفتم)؛ متون زند پهلوی (ترجمه‌های اوستا به پهلوی، غالباً ویراسته محققان هندی)، و بسیاری از متن‌های دیگر پهلوی از جمله رساله‌ها و اندرزنامه‌ها.

کتابنامه

- بهار، مهرداد (۱)، واژه‌نامه بندهش، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۴۵.
— (۲)، واژه‌نامه گزیده‌های زادسپرم، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۵۱.
تفضلی، احمد (۱)، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، معین، تهران ۱۳۷۴.
— (۲)، «فرهنگ پهلوی»، راهنمای کتاب، س ۹ (۱۳۴۵)، ش ۳، ص ۳۱۵-۳۱۸.
— (۳)، «نقدی بر فرهنگ هزوارش‌های پهلوی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۱۷ (۱۳۴۸)، ش ۲، ص ۱۰۱-۱۱۰.
— (۴)، واژه‌نامه مینوی خرد، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۴۸.

19) Williams

20) Gignoux

21) Shaked

22) Cereti

- طاووسی، محمود، واژه‌نامه شایست نشایست، دانشگاه شیراز، شیراز ۱۳۶۵.
عریان، سعید، واژه‌نامه پهلوی - پازند، پژوهشگاه فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۷۷.
فروه‌وشی، بهرام (۱)، فرهنگ زبان پهلوی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۴۶.
— (۲)، فرهنگ فارسی به پهلوی، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران ۱۳۵۲.
مشکور، محمدجواد، فرهنگ هزارش‌های پهلوی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۴۶.
مکنزی، دن، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه مهشید میرفخرایی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران ۱۳۷۳.
نعلبندیان، گئورگی، فرهنگ پهلوی - ارمنی، انتشارات پیونیک، ایروان ۱۹۹۴.
وهمن، فریدون، واژه‌نامه آرتای و برازنامک، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۵۵.

- ABRAHAMJAN, R. (1965), *Pexlevijsko-persidsko-armjano-russko-anglijkijslovar*, Erevan.
JAMASPI, H. and M. HAUG (1867), *An Old Zand-Pahlavi Glossary*, Bombay and London.
JUNKER, Heinrisch, F.J. (1912), *The Frahang i Pahlavik*, Heidelberg.
— (1955), *Das Frahang i Pahlavik*, Leipzig.
MACKENZIE, D.N. (1971), *A Concise Pahlavi Dictionary*, Oxford.
— (1991), "Middle Iranian Lexicography", *Wörterbücher/ Dictionaries/ Dictionnaires*, ed. Franz Josef HAUSMANN and others, Berlin and New York, p. 2473 ff.
— (2001), "Frahang ī Pahlawīg", *Encyclopaedia Iranica*, ed. Ehsan YARSHATER, vol. X, fascicule 2, pp. 123-125.
MALANDRA, William W. (2001), "Frahang ī Oīm", *Encyclopaedia Iranica*, ed. Ehsan YARSHATER, vol. X, fascicule 2, p. 123.
NYBERG, H.S. (1927-1932), *Helfsbuch des Pahlavi*, I-II, Uppsala.
— (1964-1974), *A Manual of Pahlavi*, I-II, Wiesbaden.
— (ed.) (1988), *Frahang i Pahlavik*, ed. from posthumous papers... by B. URS, Wiesbaden.
WEST, E.W. (1896-1904), "Pahlavi Literature", *Grundriss Iranischen Philologie*, Band II, von Wilh. GEIGER und Ernst KUHN, Strassburg; Berlin and New York 1974.

